
پس انداز روستایی و نقش عوامل مؤثر بر آن:
مطالعه موردی در سه استان کشور

عباس رحیمی*

چکیده

هدف این مقاله بررسی ساختار پس انداز در مناطق روستایی و نقش عوامل مؤثر بر آن است که چه بسا در شناخت الگوهای رفتاری بهره برداران روستایی در سرمایه گذاری و شیوه پس انداز آنها در مناطق روستایی مؤثر باشد. برای این منظور، پس از شناخت عوامل مؤثر بر پس انداز و طرح پرسش های اساسی، با شیوه مطالعه میدانی اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شد و با کمک نرم افزار SPSS داده آمایی صورت گرفت؛ سپس، با استفاده از شاخص های مختلف آماری و الگوی اقتصادسنجی، نتایج به دست آمده تحلیل و توصیف شد. این مطالعه در سطح ۳ استان کرمانشاه، اردبیل، و فارس به انجام رسید. نتایج مطالعه نشان می دهد که علاوه بر درآمد خانوارها، متغیرهای دیگری چون بعد خانوار، مالکیت اراضی آبی و دیمی خانوار، مانده بدهی خانوارها، و تحصیلات سرپرست خانوار نیز از عوامل مؤثر بر پس انداز روستایی است.

کلید واژه ها: پس انداز روستایی / بهره برداران روستایی / فارس (استان) / کرمانشاه (استان) / اردبیل (استان).

* * *

* کارشناس ارشد اقتصاد

مقدمه

پس‌انداز یکی از متغیرهای مهم اقتصادی است که در برخی از نظریه‌های اقتصادی، عامل رشد اقتصادی و انباشت سرمایه به‌شمار می‌آید. در هر جامعه، پس‌انداز از سوی بخش خصوصی - شامل خانوارها و شرکت‌های سهامی - دولت و مؤسسات عمومی، و منابع مالی خارجی صورت می‌گیرد. بخش خصوصی مهم‌ترین عامل پس‌انداز در کشورهاست؛ برای مثال، طی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۴، نسبت پس‌انداز بخش خصوصی به درآمد قابل تصرف ناخالص ملی در کشورهای در حال توسعه ۱۴/۸ درصد بوده، در حالی که نسبت پس‌انداز دولت ۲/۱ درصد برآورد شده است (World Bank, ۱۹۹۸). به همین دلیل، رفتار خانوارها در زمینه پس‌انداز دارای نقشی مهم در انباشت سرمایه در جامعه است. بر اساس یکی از پیش‌فرض‌های رایج در مورد پس‌انداز روستایی، جمعیت این بخش به دلیل فقر گسترده نمی‌توانند پس‌اندازی داشته باشند. در این دیدگاه، دولت باید در تأمین منابع سرمایه‌گذاری مهم‌ترین نقش را ایفا کند. از اواسط دهه ۱۹۸۰، این پیش‌فرض مورد انتقاد قرار گرفت، و مطالعات تجربی در برخی از کشورهای در حال توسعه نشان داد که با فراهم‌سازی شرایط مناسب، کشاورزان فقیر نیز می‌توانند پس‌انداز کنند (World Bank, ۱۹۹۸). بنابراین، محدودیت ظرفیت پس‌انداز با تردید جدی مواجه شد و تجهیز پس‌انداز در مناطق روستایی بسیار مورد توجه قرار گرفت. بر اساس یافته‌های این مطالعه، نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی در جامعه روستایی ایران بیش از مناطق شهری آن است؛ و مشکل مناطق روستایی کمبود پس‌انداز نیست بلکه شرایط نهادی است که تأثیرگذاری مولد این پس‌اندازها را محدود کرده است (مؤمنی، ۱۳۸۵).

هدف این مقاله پاسخ بدین پرسش‌هاست: اشکال پس‌انداز در مناطق روستایی ایران کدام‌اند؟، پس‌انداز در میان چه گروه‌های درآمدی وجود دارد؟، بانک‌ها چه نقشی در تجهیز این پس‌اندازها دارند؟، و عوامل مؤثر بر پس‌انداز روستایی کدام‌اند؟ برای جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل رفتار پس‌اندازی خانوارهای روستایی به شیوه تصادفی در

سه استان کشور نمونه‌هایی انتخاب شد، و با استفاده از شاخص‌های اقتصادی و مدل اقتصاد سنجی اطلاعات مورد تحلیل قرار گرفت.

اشکال مختلف پس‌انداز روستایی

هنگامی که از پس‌انداز روستایی بحث می‌شود، باید بین پس‌اندازی که با خودداری از مصرف ایجاد می‌شود، و پس‌انداز در شکل دارایی‌های مالی تفاوت قائل شویم. پس‌انداز در شکل دارایی یکی از اشکال موجودی دارایی و پس‌انداز را ارائه می‌دهد. تصمیم در نحوه نگهداری دارایی مالی نیز ممکن است بر کل پس‌اندازها تأثیر گذارد. پس‌انداز روستایی به اشکال زیر نیز امکان‌پذیر است:

خودداری از مصرف: بسیاری از خانوارهای روستایی برای بقای خود همواره به پس‌انداز حداقلی نیاز دارند. این‌گونه پس‌انداز ناشی از خودداری از مصرف است و حتی برای افراد خیلی فقیر نیز ضرورت دارد. در نتیجه، خانوارهای فقیر نیز پس‌انداز می‌کنند، گرچه مقدار آن اندک و زمان نگهداری آن کوتاه است.

اختلاف بین دو دوره تولید و مصرف: اغلب بین دوره‌های تولید و مصرف به‌ویژه در مناطق روستایی اختلاف وجود دارد، زیرا عموماً درآمدهای روستاییان در یک ماه و یا فصل خاص به دست می‌آید اما هزینه‌های آنها در طول سال انجام می‌گیرد. این دوره زمینه‌ای مساعد را برای پس‌انداز به‌وجود می‌آورد. این‌گونه پس‌اندازها میزان نقدینگی خانوارها برای هزینه‌های آینده را نشان می‌دهد، و به مفهوم پول‌های باقی‌مانده از مصرف طی یک دوره نیست.

عدم تجانس در منابع درآمدی خانوارهای روستایی: سطح درآمد خانوارهای روستایی متفاوت است و به همین دلیل، در مراحل مختلف توسعه، مازادهای مصرفی متفاوتی در این خانوارها وجود دارد. این عدم تجانس فرصت‌هایی را برای نهادهای مالی ایجاد می‌کند، زیرا توازن میان مازاد و کمبود خانوارها از طریق پس‌انداز به وجود می‌آید.

موهبت‌های منابع و پذیرش فناوری: موهبت‌های منابع طبیعی در مناطق مختلف

متفاوت است، و همین عامل به ایجاد درآمد بیشتر در برخی از مناطق منجر می‌شود. پذیرش فناوری، علاوه بر افزایش ارزش افزوده، عامل دیگری برای افزایش درآمد در برخی از مناطق روستایی است. این عوامل، با ایجاد درآمد بیشتر، پیش‌زمینه‌هایی را برای تجهیز مازاد عرضه ایجاد می‌کنند.

منابع مالی مربوط به مهاجران: در اغلب کشورهای در حال توسعه، یکی از منابع درآمد خانوارهای روستایی اشتغال در مناطق شهری و یا سایر مناطق است. آن بخش از مهاجران که مهاجرت آنها فصلی است و پس از اشتغال موقت به روستا باز می‌گردند، منابع مالی را به روستا منتقل می‌کنند. این منابع پیش‌زمینه‌ای برای بسیج پس‌اندازها ایجاد می‌کند (Padmanabhan, 1996, p, 38).

عوامل مؤثر در پس‌انداز روستایی

عوامل گوناگون مانند درآمد، نرخ بهره، تورم، و دسترسی در افزایش پس‌انداز روستایی مؤثرند.

درآمد یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده پس‌انداز است؛ با افزایش سطح درآمد، پس‌انداز و میل متوسط به پس‌انداز افزایش می‌یابد. نظریه پردازان رابطه میان پس‌اندازهای روستایی و درآمد را به دو گروه متمایز تقسیم می‌کنند؛ گروهی به تقدم اعتبارات^(۱) و گروه دیگر به تقدم پس‌انداز^(۲) معتقدند. در نظریه تقدم اعتبار، فرضیه اصلی این است که روستاییان توان پس‌انداز ندارند و برای توسعه بازارهای مالی روستایی لازم است نهادهای مالی ایجاد شود و از طریق این نهادها، منابع مالی در اختیار روستاییان قرار گیرد. با تزریق منابع مالی به صورت وام و اعتبار به جامعه روستایی، توان تولیدی و میزان درآمد در روستاها افزایش می‌یابد؛ و با افزایش تدریجی درآمد در جوامع روستایی، توان و امکانات فراوان برای پس‌انداز به وجود می‌آید که در طراحی هرگونه برنامه اعتباری، باید از این منابع استفاده شود. وگل^(۳) معتقد است که در چند دهه گذشته، پس‌انداز بخش فراموش شده مسائل مالی روستایی بوده است،

در حالی که بسیاری از روستاییان توانایی پس انداز را دارند، و تأمین طرح‌های اعتباری هم باید به‌طور عمده از همین راه یعنی پس‌اندازهای خود روستاییان صورت گیرد، نه اینکه اعتباراتی از خارج این نظام بدان وارد شود. اگایتسو^(۴) معتقد است نظریهٔ تقدم اعتبار هنوز هم در کشورهای در حال توسعه صادق است. در شرایطی که روستاییان فقیرند، نمی‌توان آنها را به پس‌انداز بخشی از درآمدشان تشویق کرد. در شرایط مساعد و مناسب، اعتبار به افزایش درآمد روستاییان می‌انجامد. روستاییان در یک اقتصاد رشدیابنده بخشی از درآمد خود را پس‌انداز می‌کنند. اگایتسو، با یادآوری تجارب کشورهای نظیر ژاپن، کره و تایوان، نشان می‌دهد که اعتبارات باید در تقدم قرار گیرد. اعتبارات در این کشورها بیشتر از طریق منابع دولتی تأمین می‌شود، و توزیع وام‌ها به افزایش درآمد در روستا منجر شده است. روستاییان در موعد مقرر وام‌ها را بازپرداخت می‌کنند و به پس‌انداز بخشی از درآمد خود نیز می‌پردازند (معظمی، ۱۳۷۷).

نرخ بهره، یکی دیگر از عوامل تعیین‌کننده پس‌انداز است. تجارب نشان می‌دهد که در برخی از کشورهای آسیایی در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱، نرخ بهره منفی بوده و در ۱۹۸۲، یکی از دلایل اصلی در افزایش و جذب پس‌انداز در سری‌لانکا نرخ بهره مثبت بوده است. همچنین، دلیل عمده کاهش سپرده‌های روستایی در فیلیپین را منفی بودن نرخ بهره واقعی می‌دانند.

دسترسی به نهادهای مالی عاملی مهم در رفتار پس‌انداز روستاییان است. هر چه تعداد شعبه‌های روستایی افزایش یابد، دسترسی روستاییان به نهادهای مالی نیز افزایش می‌یابد. در سال‌های اخیر، بانک توسعه کشاورزی در پاکستان، بانک تعاون کشاورزی در سری‌لانکا، بانک گرامین در بنگلادش، و بانک توسعه کشاورزی در نیپال تعداد شعبه‌های خود را افزایش داده‌اند، که افزایش سطح پس‌اندازها را به دنبال داشته است (همان).

در هند، شبکه‌ای گسترده از بانک‌ها در مناطق روستایی فعالیت دارد. در ۱۹۹۸ حدود ۳۲۶۶۲ شعبه روستایی و نیمه روستایی از بانک‌های تجاری وجود داشت و هر شعبه به‌طور متوسط ۶۵ هزار نفر را پوشش می‌داد. تعاونی‌های اعتبار روستایی در هند حدود

۰/۵ درصد بیش از بانک‌های تجاری سود به سپرده‌ها می‌پردازند. طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷، این تعاونی‌ها حدود ۲۱ درصد از کل سپرده‌های نهادهای مالی را تجهیز کرده‌اند. بانک‌های ناحیه‌ای روستایی در هند ترکیبی از بانک‌های تجاری و تعاونی‌ها به شمار می‌روند. این بانک‌ها از ۱۹۷۵ برای ارائه خدمات به فقرا، کشاورزان کوچک و حاشیه‌ای، صنعتگران روستایی، کارگران کم‌زمین، و مؤسسات کوچک به صورت بانک‌های تجاری بخش عمومی ایجاد شده‌اند. در ۱۹۹۸، تعداد ۱۶۹ بانک روستایی ناحیه‌ای در مناطق روستایی هند فعالیت می‌کردند؛ در حال حاضر شعبه‌های آنها در مناطق روستایی ۱۴۱۳۶ شعبه را شامل می‌شود که هر شعبه روستایی جمعیتی حدود ۱۷ تا ۲۱ هزار نفر را زیر پوشش خود دارد. به طور کلی، در ۹۸-۱۹۹۷، سهم بانک‌های تجاری، تعاونی‌ها، و بانک‌های ناحیه‌ای روستایی به ترتیب ۴۲، ۵۵، ۳ درصد از کل اعتبارات کوتاه‌مدت در بخش کشاورزی بوده است (World Bank, ۱۹۹۸).

در اندونزی، دولت در اعتباررسانی به بخش کشاورزی در مناطق روستایی نقشی مهم دارد. بانک راکیات^۱ شبکه‌ای گسترده را در مناطق روستایی ایجاد کرده است. این واحدها که هر یک ۱۸ روستا را زیر پوشش خود دارند، به واحدهای «دسا» مشهور شده‌اند. واحدهای «دسا» با نظارت شعبه‌های ناحیه‌ای این بانک اداره می‌شوند. در ۱۹۹۵، بانک راکیات با داشتن ۳۴۸۲ شعبه حدود ۸۱ درصد از کل پس‌انداز در مناطق روستایی را تجهیز کرده است. علاوه بر بانک راکیات، بانک اعتبار روستایی با داشتن ۱۹۴۸ شعبه در همین سال در مناطق روستایی ۱۷ درصد از پس‌اندازها را تجهیز کرده است. سهم نهادهای تأمین مالی خرد با ۱۹۷۸ شعبه در مناطق روستایی نیز در این زمینه حدود ۲ درصد بوده است. اندونزی با ایجاد چنین شبکه گسترده‌ای در مناطق روستایی دسترسی خانوارهای روستایی به منابع اعتباری را افزایش داده و در کاهش فقر روستایی تأثیری مهم داشته است.

دلایل توجه به پس‌انداز روستایی در دهه‌های اخیر

مناطق روستایی در کشورهای در حال توسعه بخش عمده‌ای از جمعیت این کشورها را در خود جای می‌دهند. هر چه توسعه‌یافتگی کشورها در سطحی پایین‌تر باشد، جمعیت روستایی آنها بیشتر است. در ۱۳۷۵، حدود ۳۸/۴ درصد از جمعیت ایران در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری). این نسبت برای کشورهای هند، چین، کره جنوبی، و استرالیا به ترتیب ۷۳/۴، ۶۸/۶، ۲۱/۸، و ۱۲/۲ درصد است. در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، مناطق روستایی به دلیل عدم دسترسی به فناوری نوین، پراکندگی و خرد بودن واحدهای بهره‌برداری و سایر مشکلاتی چون کم‌آبی در ردیف مناطق فقیر به حساب می‌آیند. به همین دلیل، در دهه‌های قبل، این باور وجود داشت که میزان پس‌انداز خانوارهای روستایی بسیار ناچیز و هزینه تجهیز این پس‌اندازها بالاست. بنابراین، اغلب نظام‌های اعتباری در بخش کشاورزی و روستایی به منابع دولتی و یا کمک‌های خارجی متکی بود. تجارب کشورهای در حال توسعه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ نشان می‌دهد که نهادهای مالی روستایی و کشاورزی گرایش زیادی به تأمین اعتبار سرمایه‌گذاری از وجوه بانک‌های مرکزی و یا سازمان‌های اهداکننده داشتند و به تجهیز پس‌انداز چندان توجهی صورت نمی‌گرفت و این مسئله تمایل اتکا به منابع خارجی را تشویق می‌کرد. در دهه هشتاد و به ویژه از اواسط این دهه، تجهیز پس‌انداز در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفت.

دلایل تمرکز توجه به پس‌اندازهای روستایی در دهه ۸۰ را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

محدودیت منابع مالی بین‌المللی

در دهه ۷۰، کشورهای در حال توسعه به طور وسیعی توانایی استفاده از منابع مالی بین‌المللی را داشتند. این منابع به‌طور عمده یا بانک‌ها و نهادهای مالی بودند که برای کسب سود، وام در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار می‌دادند و یا کارگزاری‌های بین‌المللی توسعه بودند که کمک‌های بلاعوض و یا وام‌هایی برای توسعه پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در اختیار این کشورها قرار می‌دادند، و از آن جمله بانک

جهانی که هر ساله برای اجرای برنامه‌های اعتباری مبالغی قابل توجه در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار می‌داد. پس از بحران بدهی‌های کشورهای در حال توسعه، بانک‌های خصوصی با دقت بیشتری به اعطای وام به کشورهای در حال توسعه می‌پرداختند. همچنین، ورود کشورهای بلوک شرق به بازارهای مالی بین‌المللی و هدایت بخش قابل ملاحظه‌ای از کمک‌های مؤسسات توسعه‌ای به این کشورها موجب شد که محدودیت و تنگناهای مالی برای سایر کشورهای در حال توسعه پدید آید، و همین مسئله به عاملی برای توجه به بازارها و مؤسسات پس‌انداز و منابع داخلی مبدل شد و شناسایی ظرفیت‌های داخلی پس‌انداز را در اولویت قرار داد (FAO، ۱۹۷۵).

افزایش جمعیت و محدودیت منابع برای سرمایه‌گذاری

افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه و ضرورت ایجاد اشتغال مولد و نیز افزایش هزینه‌ها و مخارج دولت برای تأمین و رفع نیازهای جمعیت جوان به کسری بودجه و افزایش نسبت هزینه‌ها بر درآمد انجامیده است. به همین دلیل، در طرح‌های اعتباری سعی می‌شود تا از پس‌اندازهای مردم برای تشکیل سرمایه و اعطای وام استفاده شود.

عدم موفقیت برنامه‌های سنتی اعتباررسانی در مناطق روستایی

یکی از روش‌های رایج اعتباررسانی در مناطق روستایی پرداخت یارانه برای کاهش نرخ بهره است. به دلیل مداخله وسیع دولت در این نظام اعتباری، در بسیاری مواقع اعتبارات پرداختی با عدم بازپرداخت مواجه می‌شود. از آنجا که درگیر کردن منابع مردم در نظام اعتباررسانی به تعهد بیشتر برای بازپرداخت منجر می‌شود، تلاش برای تجهیز پس‌انداز در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه به پایداری منابع اعتباری و بهبود بازپرداخت‌ها می‌انجامد.

وجود ظرفیت پس‌انداز روستایی

سمپوزیوم بین‌المللی تجهیز پس‌انداز که در سال ۱۹۸۴ در کامرون برگزار شد، نتایجی

را به دنبال داشت که یکی از آنها تأکید بر این واقعیت است که در بیشتر کشورهای در حال توسعه پس اندازهای داخلی در مقیاس بزرگتر از آنچه فکر می‌شد، وجود دارد. مطالعه‌ای که در یازده کشور آسیایی در همان سال انجام شد، نشان داد که در ۵ سال گذشته افزایشی بین ۹ تا ۲۵ درصد در پس اندازهای پولی و سایر انواع پس اندازها در تمامی این کشورها صورت گرفته و نرخ پس انداز در روستاها نسبت به مناطق شهری بیشتر بوده است. تجربه گرامین بانک در بنگلادش نیز گویای توانایی پس انداز توسط فقراست. در این تجربه، فقرا توانستند بیش از ۵ درصد از مجموع درآمد خود را در شرایط مناسب پس انداز کنند. در هند، طی سال‌های ۶۲-۱۹۶۱، خانوارهای روستایی با درآمد اسمی بین ۴۸۰۰ تا ۷۲۰۰ روپیه ۱۹ درصد از درآمد خود را پس انداز می‌کردند، در حالی که خانوارهای شهری با درآمدی بین ۶ تا ۱۰ هزار روپیه تنها به پس انداز ۱۱/۴ درصد از درآمد خود می‌پرداختند (APO, ۱۹۹۲).

روش تحقیق

هدف این مقاله شناخت ساختار و اشکال پس انداز و بررسی عوامل مؤثر بر پس انداز در مناطق روستایی ایران است؛ از سایر اهداف می‌توان به برآورد میزان پس انداز در گروه‌های مختلف درآمدی و نقش بانک‌ها در تجهیز پس انداز اشاره کرد. پرسش‌های اساسی این مطالعه عبارت‌اند از: آیا در میان خانوارهای روستایی پس انداز وجود دارد؟، ترکیب و اشکال پس انداز چگونه است؟ بانک‌ها در جذب پس انداز روستاییان چه نقشی دارند؟ چه ارتباطی میان پس انداز و دریافت وام خانوارها وجود دارد؟ با توجه بدین نکته که با اطلاعات موجود در سطح کلان و آمار هزینه و درآمد خانوار به‌ویژه پیرامون اشکال مختلف پس انداز و نقش بانک‌ها در تجهیز پس انداز در مناطق روستایی، امکان ارائه پاسخی مناسب وجود نداشت، مطالعه میدانی به شیوه نمونه‌گیری تصادفی به نحوی صورت گرفت که نتایج به مناطق روستایی کشور قابل تعمیم باشد. برای طراحی پرسشنامه، ابتدا اهداف به پرسش‌های اساسی تبدیل شد؛

سپس با مراجعه به مطالعات تجربی، متغیرهای مستقل و وابسته پرسش‌ها تعیین شدند؛ طراحی پرسش‌ها به نحوی صورت گرفت که بتوان اطلاعات مورد نیاز برای برآوردها را از اطلاعات مقطعی در ۱۳۸۲ تأمین کرد. برای رسیدن بدین اهداف، دو نوع پرسشنامه در سطح سرپرست خانوار و روستا طراحی شد. به‌طورکلی، پرسشنامه سرپرست خانوار شامل ۱۰۱ عنوان پرسش مشتمل بر سؤالات باز و بسته و یا سؤالات همراه با جدول بوده است. عمده پرسش‌های خانوارها پیرامون نحوه و میزان پس‌انداز، وضعیت شغلی و اقتصادی (درآمدها، هزینه‌ها و دارایی‌ها)، و متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، سواد و خصوصیات خانوار پاسخگو بود. در پرسشنامه روستا، پرسش‌هایی در زمینه خصوصیات اقلیمی، جمعیتی، امکانات رفاهی، نهادهای مالی و نیز رفتار کلی اهالی روستا در زمینه پس‌انداز، قرض، وام، و نوع سرمایه‌گذاری آنها مطرح شده است.

روش نمونه‌گیری

در این مطالعه، استان‌های کشور از نظر وضعیت پس‌انداز روستایی به سه دسته پس‌انداز روستایی بالا، متوسط و پایین تقسیم شده، در هر دسته از استان‌ها، یک استان به روش تصادفی انتخاب شد. بدین ترتیب، سه استان کرمانشاه، فارس، و اردبیل برای مطالعه در نظر گرفته شد. در مرحله بعد، از هر استان ۲ شهرستان که دارای جمعیت روستایی نسبتاً بالا و نسبتاً پایین (در بین شهرستان‌های همان استان) بودند، به طور تصادفی انتخاب شدند؛ و در مجموع، ۶ شهرستان و ۷۱ روستا در پوشش این مطالعه قرار گرفتند. جامعه آماری این مطالعه از ۵۰۰ خانوار روستایی در سه استان نامبرده تشکیل شده است که به‌طور تصادفی بر اساس روش یاد شده در بالا انتخاب شده‌اند. این خانوارها در محدوده ۷۱ روستا سکونت دارند که از این روستاها نیز پرسشنامه تکمیل شده است. روش‌های آماری این مطالعه ضریب‌های همبستگی و استفاده از مدل اقتصادسنجی برای تخمین مدل پس‌انداز روستایی را شامل می‌شوند.

جدول ۱- تعداد نمونه تعیین‌شده برای مصاحبه در هر یک از شهرستان‌های منتخب

شهرستان	تعداد خانوار روستایی	نسبت خانوار روستایی در هر شهرستان (نسبت به کل شهرستان)	تعداد نمونه در هر شهرستان
اسلام آباد غرب	۲۲۰۰۹	۰/۲۳	۱۱۵
سرپل ذهاب	۸۳۷۹	۰/۰۹	۴۵
مرودشت	۳۸۸۵۸	۰/۴۰	۲۰۰
استهبان	۴۹۷۰	۰/۰۵	۲۵
خلخال	۱۵۸۳۰	۰/۱۶	۸۰
بيله سوار	۷۶۷۳۰	۰/۰۷	۳۵
جمع	۹۶۷۷۶	۱/۰۰	۵۰۰

یافته‌های تحقیق

در جدول ۲، تعداد و انواع بانک‌ها، و متوسط فاصله هر یک از بانک‌ها با روستاهای نمونه نشان داده شده است.

جدول ۲- تعداد بانک و متوسط فاصله بانک تا روستا (کیلومتر)

تعداد	کشاورزی	صادرات	ملت	ملی	تجارت
۶۶	۴۷	۴۹	۴۹	۴۹	۴۸
۱۱/۳	۲۳/۸	۲۱/۶	۲۳/۶	۲۵/۹	متوسط

مأخذ: نتایج پرسشنامه مطالعه

بر اساس یافته‌های این تحقیق، ۵۴ درصد از پاسخگویان در پاسخ بدین سؤال که آیا در روستای شما یا در نزدیکی آن بانک وجود دارد، پاسخ آری داده‌اند؛ و به گفته ۴۶ درصد از جامعه آماری، در نزدیکی آنها بانک وجود نداشته است. فاصله نزدیک‌ترین بانک به محل زندگی خانوارها یکی دیگر از پرسش‌های مطرح شده بود. براساس پاسخ‌ها، فاصله روستای محل سکونت ۳۱/۴ درصد از پاسخگویان تا نزدیک‌ترین بانک

بین ۰ تا ۴ کیلومتر، ۲۰/۶ درصد از آنها بین ۴ تا ۸ کیلومتر، و ۴۷/۲ درصد نیز بیش از ۸ کیلومتر بوده است. از آنجا که دسترسی به بانک از عوامل تأثیرگذار در پس‌انداز به شمار می‌رود، تنها ۳۱/۴ درصد از خانوارها از نظر فاصله محل سکونت خود دسترسی آسان‌تری به بانک‌ها داشته‌اند.

جدول ۳ دلایل مراجعه به بانک را نشان می‌دهد. بر اساس این یافته، ۸۴/۲ درصد از پاسخگویان دلیل اصلی مراجعه به بانک را دریافت و درخواست وام و یا بازپرداخت وام می‌دانستند. دریافت پول بابت فروش گندم، دریافت مستمری و حقوق (گروهی که مشاغل اداری داشته‌اند، و نیز مستمری‌بگیران کمیته امداد)، و پرداخت قبوض آب و برق از دیگر دلایل مراجعه پاسخگویان به بانک‌ها بوده است.

جدول ۳- دلایل مراجعه به بانک

ردیف	دلایل مراجعه به بانک	فراوانی	درصد
۱	دریافت و درخواست وام	۳۲۸	۷۸
۲	بازپرداخت وام	۲۰۰	۶/۲
۳	دریافت پول، حقوق و چک	۱۶۳	۳۸/۸
۴	پرداخت قبوض آب و برق	۱۲۷	۳۰/۲
۵	دریافت جایزه	۱	۰/۳
۶	ضمانت وام	۱	۰/۳
۷	واریز پول	۱۳۴	۳۲

مأخذ: نتایج پرسشنامه مطالعه

دلیل افتتاح حساب در میان جامعه روستایی نشان‌دهنده کارکردهای بانک از دیدگاه روستاییان است. براساس جدول ۴، مهم‌ترین دلیل افتتاح حساب و ارتباط با بانک دریافت وام است. پس از وام، به ویژه در بانک کشاورزی، یکی دیگر از دلایل ارتباط با بانک افتتاح حساب جاری برای تسهیل معاملات ذکر شده است. تنها ۰/۳ درصد از کسانی که در بانک کشاورزی حساب داشته‌اند، جایزه را به عنوان عاملی برای پس‌انداز

خود به حساب آورده‌اند. از دلایل دیگری که برای افتتاح حساب نام برده شده است، می‌توان به مطمئن بودن محل پس‌انداز و نزدیکی محل بانک اشاره کرد. در مجموع، مهم‌ترین عامل افتتاح حساب دریافت وام است. ۷۸ درصد از کسانی که دلیل افتتاح حساب خود را اظهار کرده‌اند، دریافت وام را عامل اصلی آن دانسته‌اند.

جدول ۴- دلیل افتتاح حساب از دیدگاه اعضای جامعه نمونه

بانک	دریافت وام	جایزه	سود	معامله	محل مطمئن پس‌انداز	نزدیکی بانک
کشاورزی	۱۵۰	۹	-	۱۱	۴	۹
ملی	۲۹	۸	-	-	۱	۲
صادرات	۳۸	۱۳	-	۶	۹	۹
ملت	۱۶	۵	-	۳	۳	۳
سپه	۲	۱	-	۳	۱	۱

مأخذ: نتایج پرسشنامه مطالعه

جدول ۵ انواع حساب‌های بانکی در بانک کشاورزی و سایر بانک‌های تجاری مستقر در مناطق روستایی را نشان می‌دهد. بر اساس این ارقام، حساب قرض‌الحسنه در میان سایر حساب‌ها بالاترین فراوانی را دارد. یکی از دلایل افتتاح حساب قرض‌الحسنه جایزه‌ها و تبلیغات متنوع در رسانه‌های گروهی است؛ و علاوه بر این، در برخی از بانک‌ها پیش‌شرط دریافت وام افتتاح حساب قرض‌الحسنه است. حساب جاری در اولویت بعد قرار دارد. حساب جاری علاوه بر تسهیل معاملات و ایجاد قدرت خرید مدت‌دار برای دارنده حساب ممکن است در وام‌گیری نیز مؤثر باشد. بانک کشاورزی یکی از شرایط اعطای وام را کارکرد حساب جاری متقاضیان می‌داند. به‌طورکلی،

حساب جاری در مجموع ۲۱ درصد از کل حساب‌های مختلف خانوارهای نمونه در بانک‌ها را تشکیل می‌دهد. حساب‌های سپرده کوتاه‌مدت و بلندمدت در ردیف اهمیت بعد قرار دارد. ترکیب انواع حساب‌های بانکی نشان می‌دهد که در جامعه نمونه، گرایش به سپرده‌گذاری بلندمدت بسیار اندک است و تنها ۱/۷ درصد از خانوارها این‌گونه سپرده‌گذاری را انجام داده‌اند؛ این نکته گویای فرصت‌های مختلف سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی است، به طوری که نگهداری پول از اهمیت کمتری برخوردار است.

جدول ۵- نوع حساب‌های بانکی خانوارها در جامعه نمونه به تفکیک بانک‌های مختلف

نام بانک	نوع حساب	قرض الحسنه	سپرده کوتاه‌مدت	سپرده بلندمدت	جاری
کشاورزی	۲۴۵	۲۲	۲	۴۲	
ملی	۵۴	۶	۱	۲۷	
صادرات	۹۹	۷	۲	۳۹	
ملت	۳۸	۸	۲	۲۲	
سپه	۸	۳	۰	۶	
سایر	۳۱	۴	۱	۸	
کل	۴۷۵	۵۰	۸	۱۴۴	

مأخذ: نتایج پرسشنامه مطالعه

جدول ۶ نحوه توزیع وام در میان پاسخگویان را نشان می‌دهد. بر اساس این ارقام، ۳۹ درصد از افراد جامعه نمونه از نظام بانکی وامی دریافت نکرده‌اند. ۶/۱ درصد تا سقف حداکثر یک میلیون ریال و ۲۳ درصد نیز بین یک تا پنج میلیون ریال از بانک‌ها وام گرفته‌اند، و به ۲۱/۷ درصد نیز وام‌هایی بیش از ۱۰ میلیون ریال اعطا شده است. از نظر ارزش وام، ۲۱/۷ درصد از پاسخگویان ۸۸/۷ درصد از کل وام را دریافت کرده‌اند؛ ۳۹ درصد وامی دریافت نکرده و ۳۹/۳ درصد نیز از نظر ارزش تنها ۱۱/۳ درصد وام‌ها

را به خود اختصاص داده‌اند. از نظر توزیع وام، به نظر می‌رسد که توزیع مناسب و عادلانه‌ای وجود نداشته است.

جدول ۶- میزان وام دریافتی پاسخگویان در ۱۳۸۱ (هزار ریال)

مقادیر وام	فراوانی	سهم هر گروه (درصد)	کل وام دریافتی هر گروه	سهم از کل وام در هر گروه (درصد)
۰	۱۷۹	۳۹	۰	۰
۱۰۰۰	۲۸	۶/۱	۱۶۰۰	۰/۴
۲۵۰۰ تا ۱۰۰۰	۳۶	۷/۸	۶۳۰۰	۱/۵
۵۰۰۰ تا ۲۵۰۰	۷۰	۱۵/۲	۲۸۴۰۰	۶/۵
۱۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰	۴۶	۱۰/۱	۱۲۱۰۰	۲/۹
۳۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰	۶۸	۱۴/۸	۱۲۱۸۰۰	۲۸
۳۰۰۰۰ و بیشتر	۳۲	۷	۲۶۴۱۰۰	۶۰/۷
مجموع	۴۵۹	۱۰۰		۱۰۰

مأخذ: نتایج پرسشنامه

در جدول ۷، میزان بدهی خانوارها به تفکیک نهاد وام‌دهنده آورده شده است. بر اساس این ارقام، متوسط بدهی پاسخگویان ۱۸/۷ میلیون ریال بوده است که از این میزان، سهم بانک‌ها ۵۷/۱ درصد، رباخواران و دکان‌داران ۲۲/۵ درصد، آشنایان ۱۵/۲ درصد، صندوق قرض‌الحسنه و تعاونی روستایی ۲ درصد، و سایر منابع ۳ درصد است. متوسط نرخ سود رباخواران ۶۰ درصد است و علی‌رغم حرمت ربا، به دلیل مشکلات و عدم دسترسی به منابع بانکی، این بدهی از نظر سهم پس از بانک‌ها رقمی قابل توجه را تشکیل می‌دهد. آشنایان نیز در تأمین نیاز خانوارهای روستایی از سهمی چشمگیر برخوردارند و اغلب این‌گونه پرداخت‌ها بدون بهره و نمایانگر وجود سرمایه اجتماعی

در میان خانوارهای روستایی است.

جدول ۷- متوسط میزان بدهی هر خانوار به تفکیک نهاد وام‌دهنده

نهاد وام‌دهنده	متوسط (هزار ریال)	سهم (درصد)
کل بانک‌ها	۱۰۷۰۳	۵۷/۲
رباخواران	۳۵۵۳	۱۸/۹
آشنایان	۲۸۵۳	۱۵/۲
دکان‌داران	۶۷۶	۳/۶
صندوق قرض‌الحسنه و تعاونی روستایی	۳۷۵	۲
سایر	۵۷۵	۳/۱
مجموع	۱۸۷۳۷	۱۰۰

مأخذ: نتایج پرسشنامه مطالعه

جدول ۸ نحوه نگهداری درآمد خانوارها در جامعه نمونه را نشان می‌دهد. بر پایه این ارقام، ۵۱ درصد از پاسخگویان درآمد سالانه خانوار را در منزل نگهداری می‌کنند؛ و ۴۶ درصد آنها در بانک و ۳ درصد نیز به سایر شیوه‌هایی چون قرض دادن به دیگران و یا پس‌انداز در تعاونی روستایی نقدینگی خود را نگهداری می‌کنند.

جدول ۸- نحوه نگهداری درآمد خانوار در میان پاسخگویان

نحوه نگهداری درآمد	فراوانی	درصد
نگهداری در منزل	۱۴۲	۵۱
نگهداری در بانک	۱۲۸	۴۶
قرض دادن به دیگران	۱	۰/۳
پس‌انداز در تعاونی روستایی	۱	۰/۳
سایر	۶	۲/۴

مأخذ: نتایج پرسشنامه مطالعه

جدول ۹ اشکال مختلف پس‌انداز در میان زنان خانوار پاسخگویان را نشان می‌دهد؛ بر این اساس، ۶۵/۶ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که خانم خانه دارای پس‌انداز است و نحوه نگهداری آنها به اشکال مختلفی چون پول نقد، طلا، خرید جهیزیه، و پس‌انداز در بانک است. از این میان، ۳۶/۶ درصد از زنان روستایی در این مطالعه پس‌انداز خود را به صورت نقد و ۴/۲ درصد در بانک نگهداری می‌کنند؛ همچنین، ۱۶ درصد به خرید طلا و ۳۲/۴ درصد نیز به تهیه جهیزیه می‌پردازند. بر اساس یافته‌های این مطالعه، مؤسسات اعتبارات خرد که بخش مهم سرمایه آنها را پس‌انداز زنان تشکیل می‌دهد، می‌توانند این منابع را تجهیز کنند.

بر اساس اطلاعات مندرج در پرسشنامه، درآمد خالص خانوارها در میان پاسخگویان محاسبه و سپس هزینه سالانه خوراک، پوشاک، دخانیات، مسافرت، هدایا، و نذورات از آن کسر شده و باقی‌مانده به عنوان «پس‌انداز خانوار» محسوب شده است.

جدول ۹- اشکال مختلف پس‌انداز در میان زنان جامعه نمونه

اشکال مختلف پس‌انداز	فراوانی	درصد
به صورت نقد	۱۳۱	۳۶/۶
خرید طلا	۵۳	۱۶
تهیه جهیزیه	۱۰۷	۳۲/۴
پس‌انداز در بانک	۱۴	۴/۲
سایر مخارج	۳۵	۷/۶

مأخذ: نتایج پرسشنامه مطالعه

در جدول ۱۰، میزان پس‌انداز خانوارها برای ۱۰ گروه درآمدی خانوارها با همین روش محاسبه و ارائه شده است. بر اساس ارقام این جدول، در دهک‌های اول تا چهارم درآمدی، میزان هزینه خانوارها بیش از درآمد آنهاست؛ با افزایش سطح درآمد در دهک‌های بعدی، میزان پس‌انداز نیز افزایش می‌یابد. ارقام نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از پس‌اندازهای روستایی در میان ۲۱/۵ درصد از خانوارهای پردرآمدی است که در گروه‌های بالای درآمدی قرار دارند. در این مطالعه، ۹۳/۴ درصد از پس‌اندازها در سه گروه بالای درآمدی و ۶/۶ درصد از کل پس‌اندازها در سه گروه درآمدی متوسط قرار دارد. به طور متوسط، چهار گروه پایین درآمدی حدود ۹ میلیون ریال در سال ۱۳۸۱ پس‌انداز منفی داشته‌اند.

جدول ۱۰- متوسط پس انداز و هزینه و درآمد در خانوارهای پاسخگو (هزار ریال)

تعداد خانوار پاسخگو	پس انداز	هزینه تولیدی	هزینه مصرفی	درآمد ناخالص	عنوان گروه درآمدی
۱۴۲	-۱۳۷۱۸	۷۴۸۸	۱۸۰۶۳	۹۲۶۷	اول
۳۰	-۵۹۹۲	۶۴۳۷	۱۶۵۵۱	۱۴۳۷۷	دوم
۴۷	-۵۸۲۰	۲۱۱۰۰	۱۸۱۵۰	۱۵۲۸۰	سوم
۵۴	-۱۲۴۳	۲۱۰۲۶	۱۸۳۵۱	۱۹۸۷۲	چهارم
۲۸	۳۰۶۷	۲۴۷۱۹	۱۷۷۰۰	۲۷۷۸۶	پنجم
۳۴	۸۲۷۰	۲۴۶۶۶	۱۸۱۲۵	۳۲۹۳۶	ششم
۲۵	۹۷۷۹	۲۵۸۴۱	۲۰۰۸۵	۳۵۶۲۰	هفتم
۳۷	۲۲۷۹۲	۲۶۶۸۶	۲۰۴۴۳	۴۹۴۷۶	هشتم
۲۹	۳۲۱۹۱	۳۰۶۵۷	۲۲۹۲۲	۶۲۸۴۹	نهم
۳۳	۲۰۴۰۸۲	۳۸۰۴۸	۲۷۵۲۳	۱۴۲۵۷۷	دهم
۴۵۹	۷۳۴۰	۳۴۶۴۳	۱۹۲۷۸	۳۱۹۸۳	متوسط کل

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۱۱ ضریب همبستگی میزان پس انداز در بانک کشاورزی با مالکیت زمین، تعداد دام، میزان پس انداز کل در سال گذشته، و مقدار وام دریافتی از بانک کشاورزی را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی این متغیرها با پس انداز خانوارها در بانک کشاورزی به ترتیب برابر ۰/۴۲۵، ۰/۱۱۹، ۰/۲۳۶ و ۰/۳۸۶ و در سطوح ۹۹، ۹۵، ۹۹ و ۹۹ درصد معنی‌دار است. رابطه این متغیرها مثبت و مستقیم است. ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که عواملی چون سن، سواد، اندازه خانوار، و فاصله تا اولین بانک متغیرهایی معنی‌دار در میزان پس اندازها به حساب نمی‌آیند. بنابراین، می‌توان گفت که یکی از انگیزه‌های پس انداز در بانک کشاورزی دریافت وام است، و این متغیر پس از مالکیت

زمین با میزان پس انداز در بانک کشاورزی بیشترین ضریب همبستگی را دارد.

جدول ۱۱- ضریب‌های همبستگی پس انداز در بانک کشاورزی با متغیرهای مؤثر

متغیر عامل مؤثر	روش برآورد	میزان ضریب	سطح معنی دار بودن
مالکیت زمین	P*	۰/۴۲۵	۹۹
تعداد دام	P	۰/۱۱۹	۹۵
میزان پس انداز	P	۰/۲۳۶	۹۹
مقدار وام	P	۰/۳۸۶	۹۹

*پیرسون

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در این مطالعه، در چارچوب مدل اقتصادسنجی، عوامل مؤثر بر پس انداز روستایی مورد بررسی قرار گرفت. مطالعات نشان می‌دهد که تابع پس انداز روستایی، علاوه بر درآمد، تابعی از متغیرهایی چون اندازه خانوار، سطح زیرکشت خانوارها، سن سرپرست خانوار، بار تکفل، و میزان تحصیلات سرپرست خانوار است. برای تخمین مدل پس انداز از تابع زیر استفاده شده است.

$$SAV = \alpha + \beta_1 Y + \beta_2 H + \beta_3 L_A + \beta_4 A + \beta_5 D + \beta_6 L_O$$

متغیرهای این تابع عبارت‌اند از:

SAV بالاترین مبلغ پس انداز در کل بانک‌ها در سال زراعی ۸۱-۱۳۸۰ (ده ریال)

Y درآمد خانوارها (ده ریال)

H اندازه خانوار (نفر)

L_A کل اراضی آبی و دیمی خانوار (هکتار)

A سن سرپرست خانوار (سال)

D فاصله تا اولین بانک (کیلومتر)

L_0 مانده بدهی خانوار در سال ۱۳۸۱ (ده ریال)

در این تابع، SAV متغیر وابسته و سایر متغیرها مستقل می‌باشند.

معادله برآورد شده برای پس‌انداز بانکی خانوار عبارت است از:

$$SAV = 257687 + 0.263Y - 1293.09H - 0.05D + 0.178L_0 + 7453L_A \quad (1)$$

(۷/۳) (-۲/۳۶) (-۰/۳) (۴/۱۲) (۴/۲)

$$N = 459 \quad R^2 = 0.72 \quad F = 31$$

$$SAV = 409537 + 0.259Y - 1263.10H + 0.182L_0 + 7550L_A \quad (2)$$

(۱/۷) (۷/۵) (-۲/۵) (۴/۳) (۴/۳۹)

$$N = 459 \quad R^2 = 0.721 \quad F = 50.1$$

در مدل برآورد شده ۱، سن سرپرست خانوار و فاصله تا اولین بانک به دلیل پایین بودن سطح آماره معنی‌دار نبوده و بنابراین، از معادله حذف شده‌اند. تخمین ضرایب در مدل ۲ نشان می‌دهد که میل نهایی به پس‌انداز بانکی حدود ۰/۲۵ است که با توجه به ضرایب و آماره تخمین کاملاً معنی‌دار است. اندازه خانوار با پس‌انداز رابطه معکوس دارد و با افزایش یک نفر به اندازه خانوار، به فرض ثابت بودن سایر متغیرها، پس‌انداز بانکی بر اساس برآورد حداقل ۱۲۶۳ هزار ریال کاهش پیدا می‌کند؛ اما میزان وام دریافتی با پس‌انداز رابطه مثبت دارد چرا که سپرده‌گذاری برای دریافت وام ضروری است. مالکیت زمین اعم از آبی و دیمی یکی دیگر از متغیرهای مؤثر در پس‌انداز است، به طوری که به ازای افزایش یک هکتار زمین کشاورزی حدود ۷۵/۵ هزار ریال به پس‌انداز بانکی خانوارها افزوده می‌شود.

نتایج

۱- در این مطالعه، حدود ۵۴ درصد از خانوارهای پاسخگو در روستا یا در فواصل

نزدیک، به بانک دسترسی داشته و ۴۶ درصد از آنها به بانک دسترسی نداشته‌اند.

۲- در میان جامعه نمونه، حدود ۲۱ درصد هیچ‌گونه حسابی در بانک‌ها نداشته‌اند. از آنجا که شرط دریافت وجه فروش گندم بر خورداری از حساب بانکی است، گروهی که هیچ‌گونه حسابی در بانک‌ها ندارند، از خانوارهای بی‌زمین و جزو کارگران مناطق روستایی به حساب می‌آیند؛ و فعالیت آنها در مناسبات غیرتجاری و به صورت معیشتی است.

۳- براساس نتایج مطالعه میدانی، مهم‌ترین مسئله و دلیل مراجعه به بانک دریافت و یا درخواست وام بوده است. اولویت انتخاب پاسخ‌ها نشان می‌دهد که در دیدگاه خانوارهای پاسخگو، مهم‌ترین کارکرد بانک‌ها وام‌دهی است. در مجموع، ۷۸ درصد از افراد مهم‌ترین عامل افتتاح حساب در بانک کشاورزی را دریافت وام اعلام کرده‌اند.

۴- ترکیب انواع حساب‌های بانکی نشان می‌دهد که در جامعه نمونه، گرایش به سپرده‌گذاری بلندمدت بسیار اندک است و تنها ۱/۷ درصد از خانوارها این‌گونه سپرده‌گذاری را انجام داده‌اند که گویای فرصت‌های مختلف سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی است، به طوری که نگهداری پول در بانک از اهمیت کمتری برخوردار می‌شود.

۵- نحوه توزیع وام در ۱۳۸۰ در جامعه نمونه نشان می‌دهد که ۳۹ درصد از جامعه نمونه وامی دریافت نکرده‌اند؛ به ۶/۱ درصد از آنها وام‌های تا سقف حداکثر یک میلیون ریال، به ۲۳ درصد وام‌هایی بین یک تا پنج میلیون ریال، و به ۲۱/۸ درصد وام‌های بیش از ده میلیون ریال اعطا شده است. به عبارتی، از نظر ارزش وام، تنها ۲۱/۸ درصد از جامعه نمونه حدود ۸۸/۷ درصد از کل وام‌ها را دریافت کرده‌اند؛ ۳۹ درصد از آنها بدین وام‌ها دسترسی نداشته و ۳۹/۳ درصد، از نظر ارزش، تنها ۱۱/۳ درصد از وام‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

۶- در جامعه نمونه، حدود ۵۷/۱ درصد از میزان بدهی خانوارها مربوط به بانک‌های مختلف است؛ سهم رباخواران و دکان‌داران ۲۲/۵ درصد و سهم آشنایان ۱۵/۲ درصد از کل بدهی‌هاست، در حالی که سهم صندوق‌های قرض‌الحسنه و تعاونی روستایی تنها ۲ درصد بوده است. مقایسه نتایج این مطالعه با مطالعات پیشین (عرب مازار، ۱۳۷۸) نشان

می‌دهد که وابستگی روستاییان به رباخواران افزایش و سهم بانک‌ها در تأمین نیازهای روستاییان از ۶۸/۲ درصد در ۱۳۷۶ به ۵۷/۱ درصد کاهش یافته است.

۷- در پاسخ بدین سؤال که «آیا می‌دانید سود پولی که در بانک می‌گذارید، چند درصد است؟»، ۸۸ درصد از خانوارهای پاسخگو اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند و تنها ۶ درصد از پاسخگویان از نرخ درست سود پرداختی به پس‌اندازها اطلاع داشتند. بنابراین، در تحلیل رفتار اقتصادی جوامع روستایی مورد مطالعه می‌توان گفت که آنها نسبت به نرخ بهره بانکی حساسیت کمتری دارند، و افزایش یا کاهش نرخ بهره بانکی در جذب پس‌انداز در جوامع روستایی تأثیر زیادی ندارد.

۸- در پاسخ بدین سؤال که «آیا با افزایش نرخ سود سپرده، حاضرید پس‌انداز کنید؟» تنها ۵ درصد از جامعه نمونه پاسخ مثبت داده‌اند. یکی از دلایل عدم رغبت به سپرده‌گذاری را می‌توان وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری بهتر در مناطق روستایی دانست.

۹- پاسخگویان در پاسخ بدین سؤال که «درآمدهایی را که در برخی از ماه‌ها به دست می‌آورید، تا زمان هزینه چگونه نگهداری می‌کنید؟»، ۵۱/۱ درصد اعلام کرده‌اند که این درآمدها را در خانه نگهداری می‌کنند. این مسئله نشانگر وجود منابعی است که به دلیل عدم وجود مؤسسات مالی اعتباری در سطح مناطق روستایی، امکان جذب آنها به صورت پس‌انداز روستایی وجود ندارد، در حالی که چه بسا این‌گونه منابع برای مؤسسات اعتبارات خرد در سطح مناطق روستایی بسیار چشمگیر است.

۱۰- در میان ۶۵/۶ درصد از خانوارهای روستایی در این مطالعه، زنان دارای پس‌انداز بوده‌اند؛ این پس‌اندازها به اشکال مختلفی چون پول نقد، طلا، خرید جهیزیه، و پس‌انداز در بانک بوده است، و ۳۶/۶ درصد آنها پس‌انداز خود را به صورت نقدی نگهداری می‌کردند.

۱۱- در پاسخ بدین سؤال که «شما برای روز مبادا پول نقد کنار می‌گذارید؟»، از میان ۳۰۷ پاسخگو، حدود ۴۰/۷ درصد پاسخ مثبت و ۵۹/۳ درصد پاسخ منفی داده‌اند. متوسط میزان چنین پول نقدی ۱/۷۵ میلیون ریال بوده است. این پول نقد که برای

هزینه‌های ضروری امرار معاش و سایر مخارج است، یکی از منابع تجهیز پس‌انداز در مؤسسات اعتباری کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود.

۱۲- براساس روش برآورد پس‌انداز یاد شده در این گزارش، با استفاده از داده‌های آماری مطالعه میدانی، میزان پس‌انداز برحسب ۱۰ گروه درآمدی در خانوارهای نمونه محاسبه شد؛ براساس این ارقام، در دهک‌های اول تا چهارم درآمدی که ۵۹/۴ درصد از خانوارهای نمونه را تشکیل می‌دهند، پس‌انداز منفی وجود دارد؛ و به عبارتی، میزان هزینه‌های این خانوارها بیش از درآمد سالانه آنهاست.

۱۳- بخش عمده‌ای از پس‌اندازهای روستایی در جامعه نمونه در میان ۲۱/۵ درصد از خانوارهای پردرآمد در گروه‌های بالای درآمدی قرار دارد.

۱۴- براساس روش محاسباتی پس‌انداز در این گزارش، از کل پس‌اندازهای موجود در جامعه نمونه، حدود ۹۳/۴ درصد به سه گروه بالای درآمدی و ۶/۶ درصد به سه گروه درآمدی متوسط اختصاص دارد؛ و به طور متوسط، چهار گروه پایین درآمدی خانوارها سالیانه حدود ۹ میلیون ریال پس‌انداز منفی داشته‌اند.

۱۵- ضرایب برآورد شده برای متغیر درآمد خانوار روستایی میل نهایی به پس‌انداز بانکی را ۰/۲۶ نشان می‌دهد. بنابراین، میل نهایی به پس‌انداز بانکی از کل پس‌انداز در خانوارهای روستایی کمتر است.

۱۶- ضریب متغیر مانده بدهی خانوارها با پس‌انداز رابطه‌ای منفی را نشان می‌دهد؛ این برآورد از نظر آماری معنی‌دار است. به عبارت دیگر، میزان پس‌انداز در گروهی که دارای مانده بدهی بیشتری بوده‌اند، کمتر بوده است. این مسئله به دلیل وام‌های کوتاه‌مدتی است که باید خانوارها هر ساله اصل و بهره آن را بازپرداخت کنند، در حالی که وام بلندمدت باید در میزان پس‌انداز تأثیری مثبت داشته باشد، زیرا با افزایش وام بلندمدت، سرمایه‌گذاری، درآمد، و پس‌انداز نیز افزایش می‌یابند.

پیشنهادها

۱- گسترش تعداد شعب بانک کشاورزی در مناطق روستایی

بر پایه یافته‌های این تحقیق، تنها در ۱۹/۹ درصد از روستاهای نمونه، بانک کشاورزی به صورت مهم‌ترین نهاد اعتباری در بخش کشاورزی وجود دارد و بخش عمده‌ای از روستاها فاقد بانک کشاورزی است، فاصله روستاهای فاقد بانک تا اولین بانک کشاورزی حدود ۵ تا ۵۰ کیلومتر است؛ و از سویی، حدود ۳۹ درصد از خانوارها در ۱۳۸۰ به هیچ‌گونه منابع اعتبار رسمی دسترسی نداشته‌اند. یکی از سیاست‌هایی که به کمک آن، علاوه بر تجهیز پس‌اندازهای روستایی، می‌توان دسترسی به منابع اعتباری را برای روستاییان افزایش داد، افزایش تعداد شعب روستایی است. با این‌همه، بانک کشاورزی، بنا به اظهار مدیر عامل این بانک، به دلیل غیراقتصادی بودن گسترش شعب روستایی، سیاست کلی خود را به سوی تقلیل، ادغام و تغییر مکان شعبی سوق داده است که هزینه‌هایی بیش از درآمد در مناطق روستایی دارند. در این راستا، در ۱۳۸۰، تعداد شعب روستایی بانک کشاورزی ۶۷۱ شعبه بود که در مقایسه با ۱۳۷۶، تعداد ۲۷ شعبه کاهش یافت؛ و در مقابل، طی همین سال‌ها، تعداد شعب شهری بانک از ۸۲۱ به ۱۱۳۵ شعبه افزایش یافته است. پیشنهاد می‌شود، با استفاده از ساختار موجود تعاونی‌ها، شبکه‌ای کم‌هزینه و انعطاف‌پذیر ویژه مناطق روستایی (برای نمونه، باجه‌های کوچک بانکی) طراحی و گسترش یابد.

۲- اتخاذ سیاست‌هایی در جهت کاهش بدهی خانوارهای کم‌درآمد

این مطالعه نشان می‌دهد که در ۱۳۸۱، در چهار گروه پایین درآمدی، هزینه‌های سالانه خانوارها بیش از درآمد آنها بوده است. به عبارتی، حدود ۵۹ درصد از خانوارهای نمونه دارای پس‌انداز منفی بوده‌اند. خانوارهای پایین‌ترین گروه درآمدی سالانه ۱۳/۷ میلیون ریال پس‌انداز منفی داشته‌اند و میزان بدهی آنها در همین سال ۱۲/۵ میلیون ریال بوده است.

بخش عمده‌ای از خانوارهای کم‌درآمد برای جبران هزینه‌های خود به وام‌گیری از منابع مختلف اعتباری می‌پردازند. از آنجا که همین شبکه‌های رسمی اعتباری محدود

بیشتر به پرداخت وام به افراد دارای حساب بانکی و پس‌انداز تمایل دارند، گروه‌های کم‌درآمد به سوی منابع اعتباری نیمه‌رسمی و غیررسمی روی می‌آورند. برای کاهش بدهی خانوارها می‌توان از سیاست‌های مختلفی همچون سیاست‌های افزایش درآمد و یا کاهش هزینه‌های تولید و افزایش میزان دسترسی گروه‌های کم‌درآمد به منابع اعتباری استفاده کرد.

۳- ایجاد بستر مناسب برای شکل‌گیری نهادهای مالی روستایی برای تجهیز پس‌انداز و اعطای وام

امروزه در اغلب کشورهای در حال توسعه، برای تجهیز پس‌انداز و اعطای وام به بهره‌برداران کوچک مقیاس، نهادهای متناسب اعتباری ایجاد شده است. این نهادها برای کاهش هزینه‌های اجرایی خود از واحدهای اداری کوچک با حداقل کارکنان استفاده می‌کنند و توانایی تجهیز پس‌انداز از فقیرترین خانوارهای روستایی را دارند. این نهادها با استفاده از اختلاف الگوی درآمد و هزینه خانوارهای روستایی، با تجهیز پس‌انداز در دوره کسب درآمد کشاورزان، در زمان هزینه‌های کشت به آنها وام پرداخت می‌کنند. در ایران، بانک کشاورزی به سوی سیاست‌های تجاری و توجه به جذب پس‌انداز از مراکز شهری روی آورده است؛ و از سویی، انحصار عملیات بانکی در مناطق روستایی به‌ویژه در بخش کشاورزی با این بانک است؛ در حالی که باید عرضه تسهیلات بانکی در بخش کشاورزی رقابتی شود و نهادهای اعتباری به‌ویژه نهادهای اعتبارات خرد و بانک‌های روستایی در مناطق روستایی کشور گسترش یابند.

۴- تعمیق رابطه بین پس‌انداز و وام دریافتی

بر اساس نتایج این مطالعه، خانوارهای نمونه پرداخت وام را یکی از کارکردهای مهم بانک‌ها می‌دانند و بیشترین منابع پس‌انداز بانکی آنها برای دریافت وام است؛ در حالی که آنها نسبت به نرخ بهره پس‌انداز واکنش کمتری نشان می‌دهند. بنابراین، نهادهایی که بتوانند با استفاده از تجهیز پس‌انداز به وام‌دهی بپردازند، می‌توانند موفقیت بیشتری به دست آورند. از این‌رو، تعمیق رابطه بین پس‌انداز و وام پرداختی سبب

افزایش دسترسی خانوارها به وام و نیز افزایش سطح پس‌انداز خواهد شد که افزایش سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی را امکان‌پذیر می‌سازد.

۵- کاهش هزینه‌های معاملاتی وام برای خانوارهای بهره‌بردار

در این مطالعه، تخمین تابع پس‌انداز نشان می‌دهد که مانده بدهی خانوارها از بابت وام‌ها از نهادهای مختلف رسمی و غیررسمی با پس‌انداز رابطه‌ای منفی دارد؛ به عبارتی، بازپرداخت اصل و بهره وام‌های دریافتی از میزان پس‌انداز خانوارها کاسته است. بالا بودن هزینه‌های معاملاتی از جمله هزینه سود منابع مالی مورد استفاده خانوارها و نیز کوتاه‌مدت بودن وام‌های پرداختی را می‌توان از دلایل این رابطه منفی به شمار آورد. بنابراین، برای انباشت سرمایه بیشتر در مناطق روستایی، باید هزینه‌های معاملاتی وام برای خانوارها کاهش و وام‌ها به سمت دوره‌های بازپرداخت بلندمدت گرایش یابد.

یادداشت‌ها

۱. credit first theory
۲. deposit first theory
۳. Vogel
۴. Egaitsu
۵. Indonesia Rakiat Bank

منابع

- عرب مازار، عباس و خدا رحمی، روح‌الله (۱۳۷۸)، «ویژگی‌های عمده بازار مالی روستایی در ایران»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*. سال ۷، شماره ۲۶.
- معظمی، میترا (۱۳۷۷)، *بررسی مبانی نظری و تجربی اعتبارات روستایی*. تهران، وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۵)، «ضرورت ژرف‌کاوی در وجوه نظری و اجرایی عدالت». *فصلنامه تکاپو*. شماره ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان، صص ۱۵-۳۰.